

سیر اجمالی تاریخ وحدت وجود

گفته آلمانی در زیر عنوان یکی از اشعار خود بنام (یکی و همه) میگوید
و در این که خود را در لایتناهی گم کنیم تنهاراهی است که خود را می‌بایم،
این سخن فنائی است که به بقا می‌انجامد و قطره‌ایست که بدریا می‌رسد و ذره
ایست که در پهلوی خورشید جلوه می‌کند .

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

آثار جامی که بعد از این مقدمه بملاحظه شما می‌رسد مکتب وحدت-
الوجود است که این مکتب از وجد حال و غورو عشق بی خودی لبریز است
ما می‌توانیم در بدو امر مکتب « همه اوست » را از فکر معرفت اولو هیبتی که
از قدیمترین تاریخ ادوار زندگی بر بشر پیدا شده جستجو نموده زیرا بشزیت
از آغاز پیدایش طبیعتاً بفکر من و جز من افتاد و وقتی که خدا را یافت در این
اندیشه می‌سوخت که او چطور صفاتی دارد و چگونه با کائنات و انسان پیوندی
ناگسنتی دارد این مفکوره آتشی بود که در دل هوشمندان زبانه می‌کشد به
گفته حافظ :

در اندرون من خسته دل ندانم چیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

تاریخ وحدت الوجود

وحدت الوجود که بر « همه اوست » تعبیر می‌شود ریشه‌های خیلی قدیمی
دارد. ریشه‌های آن را در قدم اول از فلسفه‌های باستانی هند ، مصر قدیم، یونان
و ثمر و کمال آنرا در قدم دوم از مکتب اسلام و در اخیر از برخی فلسفه‌های
جدید که میرزترین آنها اسپنوزا است می‌توان جستجو کرد .

در مکاتب هندیهای قدیم (که چندین سال قبل از میلاد در مذاهبتی

گونگونگی متمثلی بودند) ریشه وحدت یافته می‌شود .

مکتب‌های فلسفه برهمنی بر پایه افکار او پانیشادها بنا یافته است مکتب
اوپانیشادی عقیده دارد که روح انسان با روح اذلی یکی است (۱) مکتب
ویدانت - سانکھی - یوگه مرکب بنوبه خود سعی دارند وحدت الوجود را ثابت
کنند (۲) مؤسس مکتب سانکھی کاپیلا و از یوگه پان تنجیل می‌باشد اینها

بيك وحدت الوجود روحانی قابل بودند در مصر قدیم طوریکه پلوتارک (۱۲۰-۴۵) میلادی که کتیبه‌های معبد اسس را خوانده است این جملات بر خورده است (منم هر چه در گذشته بوده و در آینده خواهد بود و هیچ محدثی نمی‌تواند که نقاب مرا بگشاید) (۳) در یونان در مکتب رواقیها اصل وحدت را بصورت (طبیعی جسمانی می‌یابیم و آنها قایلند که جز جسم چیزی نیست یا جسم فاعل است یا مفعول فاعل را بحساب قوه می‌گیرند و منفعل را ماده، قوه (۴) و ماده (خدا و غیر خدا) حقیقت واحدی می‌باشند که بهم امتزاج و پیوند دارند.

سیبوسیسی خواهرزاده افلاطون عقیده داشت که وجود حقیقی در مقام وحدت رتبه و مقام برین را داراست تعینات آخرین درجه انکشاف است مکتب ستوایکس در یونان و بعد در روم بوحدت تمایل داشت و می‌گفتند که در انسان روحی از خدا موجود است.

ولی وحدت وجود در مکتب افلاطونیان جدید بشکل دیگر است و سازنده این مکتب افلاطین است که از آن بفصیل یاد می‌کنیم.

استفن بارسو دایلی سوری که در اواخر قرن پنجم میلادی می‌زیست پیر و مکتب افلاطونیان نو است که می‌گفته: « همه دنیا نسبت به خدا در حکم اشعه است نسبت به آفتاب همه موجودات صادر از خداست و بالاخره باو باز خواهد گشت » کتاب استفن پنج فصل دارد که در رؤس مطالب آن ذکر یافته و دنیا صادر از خیر محض است باید عقل انسان اوج برد تا بخدا متصل شود و انسان بمقام الکلی فی الکلی برسد او هستی محض بوده دنیا و روح و ماده از او صادر شده است (۵) ولیم جیمس تولد ۱۹۰۶ می گوید اعدا متادما بوحدانیت (وحدت مطلقه) عبارت از تصور هستی است که شی کل است و خیر کل است. رویس متوفی (۶) ۱۹۱۶ می گوید هستی بزرگ چون انسان صغیر است دارای جسد و روح است جسد آن عالم طبیعت است و اما روح که سیر و حرکت دارد همان خداست (۷) می‌توان بسیاری از حکماء و فلاسفه را بوحدتی بحساب آورد ولی از آنهایی نام می‌بریم که این اصل بیشتر در مکتب شان موجود باشد و هسته فلسفه شان قرار گرفته باشد.

جیوردانو برونو Giordano Bruno متوفی ۱۶۰۰ ایتالیوی که کلیسای روم او را در آتش سوخت اومیکفت (خداوند خالق مبین کائنات است قدرت و حکمت از صفات اوست و او آنگاه جزئیست که همه کائنات باو نسبت خارجی دارند و او کل است برای اینکه همه اشیاء در او هستند (۸) ولی انصافاً تا جائیکه در وحدت‌های اروپا مطالعه و مسالحه می‌شود اسپنوزا

هولانندی که شاگرد (کانت) است فلسفه وحدت الوجود را بصورت مکتب بزرگی در آورد می گوید و اشیاء پراکنده و مرکب و مخلوطند و خداوند حد بسیط - لایتنهای است و این سخن خود را اینطور بگری می نشاند (اشیاء صفات خدایند و اشکال هندسی و ابعاد آنها خداوند است) (۹) .

شلنگه و هیگل هم از کوچه وحدت گذشته اند (۱۰) ولی فلسفه وحدت - الوجود در مکتب اسلام پختگی دیگری را بوجود آورد که دین اسلام در این فلسفه شور و عشق بخشیده است از طرفی در اسلام این مفکوره بحیث یک پدیده فکری و شکل فلسفی شناخته شده مسئله عقیده می مثلا شیخ عطار در سلوک طریقه کبرویه را داشت مگر وحدت وجود را بحیث یک اندیشه فلسفی و تمثلی قبول کرده بود همین طور مولوی بلخی ماکه از خود طریقه خاص داشت که حال بطریقه مولویه مشهور است و یا میر حسین سادات هروی که در طریقه سهروردی و حنفی مذهب بود و شیخ محمود شبستری همانطور و یا جامی که در طریقت نقشبندی بودند ولی در راه حقیقت وحدتی بوده و در شریعت حنفی از این مسائلها بسیار است .

ریشه فکر وحدت الوجودی طوری که معلوم می شود در قرن دوم و سوم هجری در اسلام پیدا شده تخم آن پاش داده شده جمله (لیس فی جبتی سوی اله) را (با یزید بسطامی) بر زبان راند .

و حسین منصور حلاج متوفی در ۳۰۷ یا ۲۰۹ انا الحق هر چند این مردم مخالفین زیادی داشتند ولی از دریافت ذوقی خود دست بردار نبودند و مردم زیادتر که بر این حضرات سر ستیز داشتند این بود که گمان می کردند که مفکوره وحدت از حکمای یونان گرفته شده زیرا جامی در رساله ذره الفاخره (که در ذیل اساس التقدیس فخر رازی در قاهره چاپ شده است) می گوید در مفهوم واحد بودن وجود و مشترك بودن در بین موجودات و همین طور صدور کثرت از واحد حقیقی که برخی حکماء عقیده داشتند در این موضوع عرفا هم اتحاد نظر دارند و تنهامعرفت را صوفیه از راه کشف میدانند و بیاد آوردن معرفتی که در عالم امر در دل بشر بوده است و حکماء حصول معرفت را روی برهان عقلی و اکتساب معتقد می باهند از معراجنامه با یزید بسطامی (۱۱) فلسفه وحدت وجود نمودار می شود همین طور از برخی اشعار صوفیانه حکیم غزنه این اصل جلوه ناتمام می کند ولی این قدر هست که مکتب وحدت وجود از آغاز قرن هفتم هجری در اسلام رنگ علمی بخود گرفت و در وصف اول این مکتب محی الدین عربی اندلسی قرار دارد از مکتب او مولینای بزرگ شیخ

صدرالدین قونوی شیخ عراقی و غیره بزرگان متأثرند .

شعراء و عرفای زیادی از قبیل میرحسین سادات هروری محمود شبستری جامی و آخرین عارف بزرگ ما میرزا عبدالقادر بیدل در این فلسفه پیچیده اند طوری که در تاریخ این فلسفه سیر می کنیم چند مکتب و چندتن از دانشمندان را بیشتر در فلسفه وحدت منعم می یابیم که هسته تفکرانه این مکتب شده است . در مکتب یوگیا افلاطونیان نو مکتب اسپنوزا و مکتب ابن عربی این فلسفه بشدت هر چه تامتری ملاحظه می شود دیگران را می توانیم نیمه وحدتی گفت زیرا در مکتبهای التقاطی متممی می باشند و وحدت گاهی از خلال گفتارشان استشمام می شود ولی ناگفته نگذاریم که در مکتب ابن عربی بسیار مردان مسلمان را می بینیم که از اشارت بعبارت پناه برده اند و پدیده های ذهنی و تجلی قایی خود را برهنه تر بمیان کشیده اند طوری که قبلاً گفتیم ما از چهار منبع این فلسفه را مطالعه می کنیم از هند قدیم - مصر - یونان و فلاسفه جدید اروپا و اسلام ولی در فلسفه اسلام که بعدتر وارد خواهیم شد خواهید دید که فلسفه وحدت پختگی خاص بخود گرفته که از شائبه اتحاد و حلول عاری است و یک وحدت خاصی است که در پرتو توحید اسلامی می درخشد ولی نظرهای نورانی و عقلهای تند این فلسفه را طوری از اشارت بعبارت آورده اند که جز در پناه نور نظر و اشراق دل اکتشاف و فهم آن میسر نیست زیرا در برخی پهلوهای آن پای برهان لنگ است و حدس صائب و عقل متجلی و دل مملو از عشق و شور در خود میدانند و در خود گم می شود در کتاب مشکلة الالهیت تألیف دکتر محمدغلاب استاد فلسفه جامع از هر تاریخ وحدت وجود را مفصل تریافتیم که اینک ترجمه آن آغاز می شود .

وفی کل شیء آیه تدل علی انه الواحد (۱۲) (ادامه دارد)

۱ و ۲ ملل النحل شهرستانی ص ۴۵۸ - ۴۶۱ (۳) افکار شاعر استاد

سلجوقی .

(۴) سیر حکمت در اروپا (۵) تاریخ تصوف ص حواله به دایرة المعارف

بریطانیه .

(۶) ص ۱۶۵ قضیه الالهیت ج مصر (۷) قضیه الالهیت ص ۱۴۴

(۸) افکار شاعر ص ۱۳۱ (۹) و (۱۰) مشکلة الالهیت .

(۱۱) مراجعه شود به تذکرة الاولیاء جلد اول بحث با یزید .

(۱۲) ترجمه در هر چیز برای او نشانه ایست که گواهی بر یگانگی رویه

را میدهد .